

The Prosopography of Cyrus the Younger's Mercenaries: Officers of Recruiter

Vazir Menbari*

Roozbeh Zarrinkoob**

Abstract

Cyrus the Younger in his unsuccessful attempt to get the royal throne and crown from his brother Artaxerxes II, enlisted a great body of mercenaries with help of his friend Greek officers. The study of these officers using the prosopography approach shows that the geographical origin of the absolute majority of them was the city-states located in the Peloponnesse Peninsula or the Peloponnessian League. The present article, in addition to proposing the hypothesis mentioned above, aims to analyze its reasons using a descriptive-analytical method and based on library sources. A survey of primary sources of that period shows that change in Darius II's diplomacy during the Peloponnesian Wars and in particular practical actions of Cyrus the Younger as ruler of Asia Minor caused quantitative and qualitative superiority of Peloponnesians among friends and mercenaries of Achaemenid prince.

Keywords: Cyrus the Younger, Achaemenids, Peloponnesians, Darius II, Artaxerxes II, Cunaxa.

* PhD student of Ancient Iran History, University of Tehran, Tehran, Iran, vazir.menbari@yahoo.com

** Assistant Professor of History, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author),
zarrinkoobr@ut.ac.ir

Date received: 2023/01/10, Date of acceptance: 2023/04/18



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پروسوپوگرافی مزدوران کورش جوان: افسران سربازگیر

وزیر منبری*

روزبه زرین کوب**

چکیده

کورش جوان هخامنشی در تلاش نافرجام خود برای به دست آوردن تخت و تاج شاهی از دست برادر خود، اردشیر دوم، نیروی بزرگی از مزدوران را با مساعدت دوستان صاحب‌منصب یونانی اش به خدمت گرفت. مطالعه درباره این افسران با استفاده از رویکرد پروسوپوگرافی نشان می‌دهد که خاستگاه جغرافیایی اکثریت مطلق آنها، دولت‌شهرهای واقع در شبه‌جزیره پلپوننس و یا اتحادیه پلپونسی بوده است. مقاله حاضر، ضمن طرح فرضیه مذکور در بالا و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در صدد تحلیل چرایی آن نیز برآمده است. بررسی منابع دست اول آن دوره نشان می‌دهد که تغییر سیاست داریوش دوم هخامنشی در جریان جنگ‌های پلپونسی و به‌ویژه اقدامات عملی کورش جوان در مقام فرمانروای آسیای صغیر، زمینه‌ساز برتری کمی و کیفی پلپونسی‌ها در میان دوستان و مزدوران شاهزاده هخامنشی بوده است.

کلیدواژه‌ها: کورش جوان، هخامنشیان، پلپونسیان، داریوش دوم، اردشیر دوم، کوناکسا.

* دانشجوی دکتری، تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران، تهران، ایران، vazir.menbari@yahoo.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، zarrinkoobr@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹



۱. مقدمه

۱.۱ بیان مسئله

در اواخر سده پنجم ق.م و اندکی پس از مرگ داریوش دوم هخامنشی، پسرش، کورش جوان، تلاش کرد به شکل پنهانی به گردآوری سپاهی بزرگ بپردازد تا در زمان مناسب بر ضد برادر خود اردشیر دوم قیام کرده و شاهی را از آن خود سازد. وی سپاه خود را از دو بخش کاملاً مجزا ترتیب داد. بخشی از نیروهای او، شامل ۶۷ هزار پیاده‌نظام و سه هزار سواره‌نظام، متشکل از افرادی بود که در قلمرو حکومتی او در آسیای صغیر حضور داشتند و به‌نوعی می‌توان آنها را نیروهای بومی نامید. بخش دیگر سپاه کورش را حدود ۱۴ هزار مزدوری تشکیل می‌داد که از دولت‌شهرهای گوناگون یونانی و نیز برخی مناطق ساحلی دریای اژه گرد آمده بودند (Diodorus, 14.19.7).

کورش جوان با چنین لشکری در سال ۴۰۱ ق.م به سمت قلب شاهنشاهی هخامنشی حرکت نمود و طی نبردی موسوم به کوناکسا (Cunaxa) با برادر خود اردشیر دوم به‌نبرد پرداخت. در ابتدا بخت با کورش جوان یار بود و او توانست جناح مقابل خود را شکست داده و یکی از فرماندهان سواره‌نظام اردشیر دوم با نام آرتاگرسس (Artagerses) را شخصاً به قتل برساند، اما پیشروی وی در قلب سپاهیان شاهنشاه موجب قطع ارتباط او با بدنه اصلی لشکریانش شد. کورش سرانجام به دست فردی دون‌پایه به قتل رسید و اردشیر دوم با قطع سر و دست او، به نوعی پیروزی خود را اعلام کرد (Xenophon 1980, 1.8; Diodorus, 14.23).

مزدوران یونانی تلاش نمودند راه بازگشت در پیش بگیرند، اما تیسافرن (Tissaphernes) یکی از بلندپایگان دوره داریوش دوم و اردشیر دوم) نقشه‌ای ترتیب داده و سرکردگان ایشان را به بهانه مذاکره به دام انداخت: کلئارخوس (Clearchus)، پرکسنوس (Proxenus)، منن (Menon)، آگیاس (Agias) و سوکراتس (Socrates) به همراه ۲۰ افسر میان‌رتبه به خیمه تیسافرن رفتند؛ تمامی این افراد به دستور تیسافرن دستگیر شده، برخی از آنها همان روز و برخی دیگر بعداً به قتل رسیدند (Xenophon 1980, 2.5.30-34; 2.6.1).

این مقاله به مطالعه درباره خاستگاه جغرافیایی افسران سربازگیر یونانی کورش جوان می‌پردازد و برای این منظور از رویکرد پرسوپوگرافی (Prosopography) استفاده می‌شود. پرسوپوگرافی، بررسی کارکردهای مشترک دسته‌ای از بازیگران تاریخی، از راه مطالعه گروهی

آنان است؛ پروسوپوگرافی، ارتباطات میان شخصیت‌ها در یک گروه را مورد توجه قرار می‌دهد و از این راه تلاش دارد تفاسیر معینی به دست دهد. اگرچه پروسوپوگرافی و شرح حال به هم مرتبط‌اند و با همدیگر همپوشانی دارند، اما نباید آنها را یکی دانست. برخلاف شرح حال که با شخص مرتبط است، پروسوپوگرافی با گروهی از اشخاص ارتباط دارد، به این معنا که شخص همواره با ارجاع به پیوندهایش به گروه است که در نظر گرفته می‌شود (Stone 1971: 145; Kates-Rohan 2007: 46).

۲.۱ پیشینه پژوهش

پروسوپوگرافی افسران سربازگیر کورش جوان به شکل مستقل موضوع هیچ پژوهشی نبوده است، اما محققان برخی از جنبه‌های مرتبط با آن را بررسی کرده‌اند.^۱ ژرژ کوزن رساله دکتری خود را به دوره حکمرانی کورش جوان در آسیای صغیر (از سال ۴۰۸ تا ۴۰۱ ق.م) اختصاص داده بود. چگونگی گردآوری سپاهیان از سوی کورش به منظور نبرد با اردشیر دوم نیز یکی از موضوعاتی است که کوزن در گفتار دوم از فصل دوم رساله خود (تحت عنوان «مزدوران») به آن پرداخته است؛ اما بحث او در این گفتار منحصر به مزدوران یونانی نیست، بلکه هر فردی که به نحوی با کورش پیوند یافته است (یونانی و غیر یونانی)، مورد اشاره قرار گرفته است. به عبارت دیگر، اگرچه نویسنده به توصیف فرماندهان یونانی نیز پرداخته است، اما وی آنان را در مجموعه گسترده‌تر «مزدوران» کورش جوان نگریسته و نگاهی عمومی به موضوع دارد. کوزن تأکیدی بر اکثریت پلوپونسی افسران سربازگیر ندارد و میان خاستگاه جغرافیایی فرماندهان مزدور و مسئله حمایت داریوش دوم و کورش جوان از پلوپونسی‌ها در جریان جنگ‌های پلوپونسی پیوندی برقرار نمی‌کند (Cousin 1904). جی. روی در بخش اول مقاله خود به معرفی فرماندهانی پرداخته است که برای کورش جوان سرباز فراهم کردند، اما هدف اصلی او آن است که نشان دهد ساختار فرماندهی مزدوران یونانی از زمان گردآوری نیروها برای کورش تا هنگام بازگشت آنان به دریای سیاه چه تغییر و تحولاتی به خود دیده است. نکته دیگر آنکه وی آگیاس، آریستپوس (Aristippus)، سسیس (Sosis) و پوناگراس (Pythagoras) را نادیده می‌گیرد و بنابراین، به جای ۱۱ افسر سربازگیر از ۷ نفر نام می‌برد. جی. روی همچنین در بخش دوم مقاله، به بررسی خاستگاه جغرافیایی مزدوران کورش جوان می‌پردازد، اما تمرکز اصلی وی در این بخش، سربازان به خدمت گرفته شده هستند و نه خود افسران سربازگیر؛ جی. روی حتی در موضوع اخیر، شهرهایی مانند آتن، اسپارت و

آرکادیا (Arcadia) را ذیل عنوان «سرزمین اصلی یونان» گنجانده است. همه این موارد بدان معناست که جی. روی به حمایت داریوش دوم و کورش جوان از پلوپونسی‌ها در جریان جنگ‌های پلوپونسی و ارتباط این مسئله با اکثریت مطلق پلوپونسی افسران سربازگیر نپرداخته است (Roy 1967). یوزف هوفستتر در کتاب خود پروسوپوگرافی تمامی یونانی‌هایی را که به نحوی با شاهنشاهی هخامنشی پیوند یافته‌اند، آورده است. بنابراین، اثر وی محدوده زمانی بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود به شکلی بسیار عمومی به هر فرد پرداخته شود (Hofstetter 1978). جان لی به طور مفصل به لشکر مزدوران کورش جوان پرداخته و جزئیات دقیقی در این خصوص ذکر کرده است. از جمله، وی در بخشی از کتاب خود نام‌نشان و خاستگاه جغرافیایی فرماندهان یونانی کورش را برمی‌شمرد و نتیجه می‌گیرد که تمامی هفت فرمانده لشکر مزدوران از پلوپونس بودند؛ با این حال، تمرکز وی بر «فرماندهان» است و نه «افسران سربازگیر». بنابراین، نه تنها ۱۱ افسر سربازگیر کورش را در یک کلیت واحد و با رویکرد پروسوپوگرافی به بحث نگذاشته است، بلکه پیوند مستقیم حمایت از پلوپونسی‌ها از سوی داریوش دوم/کورش جوان و اکثریت آنان در لشکر مزدوران را دریافته است (Lee 2007).

۳.۱ ضرورت پژوهش

همان‌گونه که مشاهده شد، پژوهش مستقلی درباره پروسوپوگرافی مزدوران کورش جوان با تأکید "همزمان" بر موارد زیر انجام نشده است: ۱) مطالعه درباره افسران سربازگیر یونانی کورش بر مبنای رویکرد پروسوپوگرافی؛ ۲) اثبات اکثریت مطلق پلوپونسی‌ها در میان این افسران بر مبنای رویکرد پروسوپوگرافی؛ ۳) علل و عوامل در اکثریت بودن پلوپونسی‌ها. پژوهش حاضر تلاش دارد با بررسی دقیق منابع دست اول، موارد فوق را (در سه بخش مجزا) مورد توجه قرار داده و به پرسش‌های مرتبط با آن پاسخ دهد.

۲. متن

۱.۲ مطالعه درباره افسران سربازگیر یونانی کورش بر مبنای رویکرد پروسوپوگرافی

مهم‌ترین و به نوعی تنها منبع ما برای بررسی نبرد میان کورش جوان و برادرش اردشیر دوم، کتاب *آناباسیس* کسنفن است. کسنفن خود در نبرد مذکور حاضر بود و همچون

پروسوپوگرافی مزدوران کورش جوان: ... (وزیر منبری و روزبه زرین کوب) ۲۷۱

شاهدی دست‌اول رویدادهای مربوط به آن را، از مدت‌ها قبل از روز نبرد تا چند ماه پس از آن، توصیف می‌کند. در کتاب او نام و نشان ۱۱ نفر از افسرانی که برای کورش به گردآوری مزدور پرداخته‌اند، ذکر شده است. در ادامه، به پروسوپوگرافی افسران سربازگیر خواهیم پرداخت.

۱.۱.۲ کلئارخوس اسپارتی (Clearchus of Sparta)

کلئارخوس در سال ۴۰۳ ق.م از سوی مقامات اسپارتی به بیزانس اعزام شد تا اوضاع نابسامان آنجا را بهبود ببخشد، اما خود او بعد از مدتی رویه جباران در پیش گرفت و با قتل و تبعید بزرگان بیزانس، زمینه‌ساز نارضایتی مردم را فراهم آورد. از این رو، مقامات اسپارت از او خواستند قدرت را واگذار نماید؛ کلئارخوس از این کار سرپیچی نمود و به نبرد با سپاه اعزامی اسپارت پرداخت. وی در نبرد با این سپاه شکست خورد و به ایونیه (Ionia) گریخت؛ در آنجا بود که با کورش جوان آشنا شده و به دوست و متحد او بدل گردید. کورش نیز ده‌هزار دریک به او اعطا کرد تا لشکری از مزدوران را به خدمت بگیرد؛ وی با این پول لشکری خصوصی برای خود ایجاد کرده و خرسنس (Chersones) را غارت کرد، تا اینکه کورش در سال ۴۰۱ ق.م او را برای لشکرکشی خود فراخواند. کلئارخوس با یک هزار سرباز هوپلیت، ۸۰۰ سرباز سبک‌سپر، ۴۰ سواره‌نظام و ۲۰۰ کماندار نزد کورش آمد.^۲ کلئارخوس در نبرد کوناکسا، فرماندهی جناح راست مزدوران یونانی کورش را بر عهده داشت. چند روز بعد از نبرد و کشته‌شدن کورش، تیسافرن (یکی از فرماندهان اردشیر دوم) پنج تن از فرماندهان یونانی را برای مذاکره به چادر خود فراخواند و آنگاه آنها را اسیر و سپس اعدام کرد؛ کلئارخوس یکی از این پنج فرمانده بود. وی در سن ۵۰ سالگی کشته شد (Thucydides, 8.8; Xenophon 1980, 1.1.9; 1.2.1; 1.2.9; 1.3.3-4; 1.8.4; 1.5.25-32; 1.5.38; 2.6.1; 2.6.4-5; 2.6.15; Xenophon 1979, 1.1.35-36; Diodorus, 14.12.2-9; 14.22.5; 14.26.6-7; 14.17.2; Elder 1867b: 1/780; Anthon (1888: 211; Hofstetter 1978: 101-104; Hazel 2002: 58; Lee 2007: 47).

۲.۱.۲ خیریسفوس اسپارتی (Cheirisophus of Sparta)

کورش نمایندگان به اسپارت فرستاده و با یادآوری حمایت‌های خود از آنان در جریان جنگ‌های پلوپونسی، تقاضای قوای کمکی نمود. مقامات اسپارت، خیریسفوس را در رأس ۷۰۰ هوپلیت اسپارتی روانه کردند؛^۳ فرد اخیر به ایسوس (Issus) آمده و در آنجا به کورش

ملحق شد و او را در نبرد کوناکسا همراهی نمود. هنگامی که مزدوران در اواخر مسیر بازگشت تصمیم گرفتند فرمانده واحدی برای خود انتخاب نمایند، خیریسفوس را به این منصب برگزیدند. چنین انتخابی، نشان از پایگاه بالای او دارد؛ البته خاستگاه اسپارتی او نقش بسیار مهمی در این انتخاب ایفا کرد (Xenophon 1980, 1.4.3; 3.2.37; 6.1.19-26; 6.1.32; 6.4.14; Diodorus, 14.19.4-5; 14.27.1; Elder 1867a: 1/691-692; Anthon 1888:198; Hofstetter 1978: 43-44; Lee 2007: 48).

۳.۱.۲ آگیاس آرکادیایی (Agias of Arcadia)

آگیاس با ۱۰۰۰ هوپلیت به شهر کلاینا (Celaenae) آمد و به کورش ملحق شد و او را در نبرد کوناکسا همراهی کرد. چند روز بعد از نبرد مذکور و کشته شدن کورش، آگیاس همراه با چهار سردار دیگر به چادر تیسافرن رفته تا با او مذاکره نمایند؛ اما همگی اسیر شده و پس از مدتی اعدام شدند. حضور وی در میان این پنج سردار، نشان‌دهنده پایگاه نظامی برجسته اوست (Xenophon 1980, 1.2.9; 2.5.31-32; 2.6.1; 2.6.30; Hofstetter 1978: 4-5).

۴.۱.۲ سُّکراتس آخایایی (Socrates of Achaea)

سُّکراتس یکی از دوستان کورش جوان بود و به تقاضای او همراه با ۵۰۰ سرباز هوپلیت به یاری وی شتافت و در شهر سارد به کورش ملحق شد. سُّکراتس نیز یکی از پنج سرداری بود که برای مذاکره با تیسافرن به چادر او وارد شد؛ تیسافرن او را به همراه دیگر سردارها اسیر کرده و پس از مدتی اعدام نمود. حضور سُّکراتس در میان این پنج سردار، نشان‌دهنده پایگاه برجسته اوست (Xenophon 1980, 1.1.11; 1.2.3; 2.5.31-32; 2.6.1; 2.6.30; Diodorus, 14.25.6; 14.26.6-7; Bunbury 1867: 3/847; Anthon 1888: 821; Roy 1967: 287-288; Hofstetter 1978: 166; Lee 2007: 46).

۵.۱.۲ کسنیاس پاراسیایی (Xenias of Parrhasia)

داریوش دوم در سال ۴۰۵ ق.م و در روزهای آخر عمر، پسرش کورش را که در سارد به سر می‌برد فراخواند. کورش همراه با ۳۰۰ هوپلیت یونانی روانه دربار شاهی شد؛ فرماندهی این ۳۰۰ نفر را کسنیاس بر عهده داشت. پس از بازگشت مجدد کورش به آسیای غربی، کسنیاس پادگان‌هایی را در چندین شهر ایونی برای کورش فرماندهی کرد. بعدها که کورش

پروسوپوگرافی مزدوران کورش جوان: ... (وزیر منبری و روزبه زرین کوب) ۲۷۳

وقت را برای شورش بر ضد برادرش مناسب دانست، به کسنیاس دستور داد که در دژهای نظامی فقط تعداد لازم برای حفظ آنها بگمارد و بقیه را با خود نزد وی آورد. کسنیاس اطاعت امر کرد و با ۴ هزار هوپلیت در سارد به او ملحق شد. بدین ترتیب، بزرگ‌ترین قشون مزدوران را کسنیاس فراهم کرد، به طوریکه بیش از یک‌سوم از هوپلیت‌های سپاه مزدوران کورش توسط او گردآوری شده بود (Xenophon 1980, 1.1.2; 1.2.1; 1.2.3; 1.3.7; 1.4.7-8; Elder 1867e: 3/1288-1289; Anthon 1888: 944; Hofstetter 1978: 188-189; Lee 2007: 45).

۶.۱.۲ سَفانتوس استومفالوسی (Sophaenetus of Stymphalus)

سَفانتوس یک هزار سرباز هوپلیت برای شاهزاده هخامنشی آماده کرد و در شهر سارد به او ملحق شد. وی نه تنها در نبرد کوناکسا، بلکه در مسیر بازگشت ده هزار تن نیز نقش مهمی ایفا نمود؛ به‌عنوان مثال، در اواخر مسیر بازگشت، وی به همراه فیلسیوس (Philesius) مأمور مراقبت از کشتی‌هایی شدند که عازم اروپا بودند. استفانوس بیزانسی اشاره می‌کند سَفانتوس کتابی با نام *آتاباسیس* داشته است؛ این کتاب مفقود شده، اما احتمالاً به‌عنوان یکی از منابع کراتیپوس (Cratippus) و -از طریق او- دیوژر سیسیلی مورد استفاده قرار گرفته است؛ بنابراین، گمان می‌رود که در هر جا روایت‌های دیوژر و کسنفن در خصوص لشکرکشی کورش بر ضد برادرش با هم اختلاف دارند، مأخذ دیوژر از نوشته سَفانتوس سرچشمه گرفته است (Xenophon 1980, 1.1.11; 1.2.3; 5.3.1; 5.8.1; 6.5.13; Stephanus, *Ethnica*, III, 78. Karduchen;) IV, 24. Taocher; Elder 1867d: 3/864; Anthon 1888: 825; Hofstetter 1978: 167; Hazel 2002: 225; Lee 2007: 46).

۷.۱.۲ پاسیون مگارایی (Pasion of Megara)

پس از دستور کورش مبنی بر گردآوری نیروهای مزدور، پاسیون با قشونی مرکب از ۳۰۰ سرباز هوپلیت و ۳۰۰ سرباز سبک‌سپر در سارد به او ملحق شد (-1.4.7; 1.3.7; 1.2.3; Xenophon 1980, 8; Elder 1867c: 3/132; Anthon 1888: 510-511; Roy 1967: 287; Hofstetter 1978: 141; Lee 2007: 45).

۸.۱.۲ پرُکسنوس بویوتیایی (Proxenus of Boeotia)

پرُکسنوس در اوان جوانی با کورش دوست شد. بعدها، کورش به پرُکسنوس دستور داد تا جایی که می‌تواند افراد جنگجو گرد آورد، زیرا می‌خواهد با پیسیدیانی‌ها (Pisidians) که اسباب دردسر را در قلمرو او ایجاد کرده‌اند نبرد کند. پرُکسنوس در رأس قشون بزرگی مرکب از ۱۵۰۰ سرباز هوپلایت و ۵۰۰ سرباز سبک‌اسلحه در سارد به شاهزاده هخامنشی ملحق شد. پرُکسنوس یکی از پنج سرداری بود که به منظور مذاکره با تیسافرن به چادر او رفت؛ وی نیز هم‌چون سایرین اسیر و سپس اعدام شد. حضور وی در میان این پنج سردار، نشان‌دهنده پایگاه برجسته اوست (Xenophon 1980, 1.1.11; 1.2.3; 1.8.4; 2.5.31-32; 2.6.1; 2.6.17; 2.6.20; 3.1.4-5; 3.1.8-10; Diodorus, 14.19.8; 14.26.6-7; Mason 1867: 3/557; Anthon 1888: 714; Roy 1967: 288; Hofstetter 1978: 158-159; Lee 2007: 46).

۹.۱.۲ آریستیپوس تسالیایی (Aristippus of Thessaly)

آریستیپوس بعد از آنکه از سوی گروه‌های سیاسی مخالف تحت فشار قرار گرفت، نزد کورش رفت و از وی خواست که حقوق سه ماهه دو هزار سرباز مزدور را در اختیار وی گذارد. کورش حقوق شش ماهه چهار هزار نفر را در اختیار او گذاشت و به وی تأکید کرد که بی‌مشورت او با دشمنانش آشتی نکند. هنگامی که کورش آماده لشکرکشی بر ضد برادرش اردشیر دوم شد، به آریستیپوس دستور داد که با هموطنان خود صلح کرده و هر چه مرد جنگی دارد نزد وی بفرستد. آریستیپوس یک هزار سرباز هوپلایت و ۵۰۰ سرباز سبک‌سپر برای کورش آماده کرد؛ من تسالیایی در رأس این نیروها قرار گرفته و به سوی شاهزاده هخامنشی حرکت نمود و در شهر کُلسای (Colossae) به او ملحق شد (Xenophon 1980, 1.1.10; 1.2.1; 2.6.28; Smith 1867: 1/298; Anthon 1888: 97; Russell 1942: 105; Hofstetter 1978: 25-26; Lee 2007: 47).

۱۰.۱.۲ سُسسیس سوراکوسی (Sosis of Syracuse)

وی ۳۰۰ هوپلایت برای کورش گردآوری کرده و در شهر کلایناي به شاهزاده هخامنشی ملحق گردید (Xenophon 1980, 1.2.9; Roy 1967: 287; Hofstetter 1978: 167; Trundle 1996: 347).

۱۱.۱.۲ پوناگراس اسپارتی (Pythagoras of Sparta)

پوناگراس در رأس ۳۵ کشتی، از پلوپونس به سوی کورش حرکت نمود؛ رهبری این کشتی‌ها از (Ephesus) به بعد، به تاموس مصری (Tamos of Egyptian) سپرده شد (Xenophon 1980, 1.4.2). البته از آنجایی که نبردی دریایی میان کورش و اردشیر دوم روی نداد، از این ناوگان استفاده نشد.

۲.۲ اثبات اکثریت مطلق پلوپونسی‌ها در میان این افسران بر مبنای رویکرد

پروسوپوگرافی

در بخش پیشین، پروسوپوگرافی ۱۱ تن از افسرانی که برای کورش جوان مزدور فراهم کردند، آورده شد. حال به بررسی خاستگاه جغرافیایی افسران مزبور می‌پردازیم؛ اما پیش از پرداختن به این بحث، می‌بایست به اختصار در مورد اوضاع جغرافیایی مناطق و شهرهای مرتبط مطالبی بیان شود.

پلوپونس، شبه‌جزیره کوهستانی بزرگی در جنوب یونان بود که از هفت منطقه اصلی تشکیل می‌شد: ۱) الیس (Elis) در شمال غرب؛ ۲) آخایا (Achaea) در شمال در امتداد خلیج کورینت (Corinth)؛ ۳) آرکادیا در مرکز؛ ۴) آرگوس/آرگولیس (Argos/Argolis) در شرق؛ ۵) لاکونیا (= اسپارت/لاکدمون) در جنوب؛ ۶) مسنیا (Messenia) در جنوب غربی؛ ۷) کورینت در شمال شرقی. تفوق اسپارت بر پلوپونس تا ظهور مقدونی‌ها پابرجا ماند (Nardo 2006: 53, 196, 255; Kosso 2010: 49; Tomlinson 2010: 184; Weerakkody 2010: 871-873). شهرهای پاراسیا (Parrhasia) و استومفالوس متعلق به دولت شهر آرکادیا و بنابراین، بخشی از شبه‌جزیره پلوپونس بودند (Trundle 1996: 69; Lee 2007: 45, 62-63). (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به نقشه ۱). بویوتی، منطقه‌ای در مرکز یونان بود که در جریان جنگ‌های پلوپونسی، جانب اسپارت را گرفت و به این دولت شهر در شکست دادن آتن کمک کرد (Buckler 2010: 238-240). سوراکوس، شهری یونانی در جزیره سیسیل بود. آتنی‌ها در سال ۴۱۵ ق.م و در اوج جنگ‌های پلوپونسی به سوراکوس حمله کردند، اما مردم این شهر دو سال بعد با کمک اسپارت موفق شدند مهاجمین را شکست دهند (Nardo 2006: 316). مگارا، شهری در یونان مرکزی و عضوی از اتحادیه پلوپونسی بود؛ اسپارت در اواخر دهه ۴۲۰ ق.م و در جریان جنگ‌های پلوپونسی، این شهر را از آتن بازپس گرفت (Morkot 1996: 88; Nardo 2006: 214).

Barber 2010: 738). تسالی، منطقه‌ای در یونان مرکزی بود. مردم این منطقه در جنگ‌های پلوپونسی عموماً جانب آتن را گرفتند، اما در مجموع نقش مؤثری ایفا نکردند (Winnifrieth 2010: 1105) (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به نقشه ۲).

با توجه به آنچه پیش‌تر شرح داده شد، می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد: الف- هفت نفر از افسران سربازگیر (= کلئارخوس اسپارتی، خیریسفوس اسپارتی، پوثاگراس اسپارتی، آگیاس آرکادیایی، سکراتس آخایی، کسنیاس پاراسیایی و سفانتوس استومفالوسی) اهل شبه‌جزیره پلوپونس و بنابراین، بخشی از اتحادیه پلوپونسی بودند؛ ب- سه نفر از این افسران (= پاسیون مگاریایی، پرکسنوس بویوتیایی و سسیس سوراکوسی)، اگرچه دارای خاستگاه غیرپلوپونسی بودند، اما شهرهایشان در جریان جنگ‌های پلوپونسی، بخشی از اتحادیه پلوپونسی به شمار می‌آمدند؛ ج- فقط یک نفر از افسران (= آریستیپوس تسالیایی)، اهل شهری بود که در جریان جنگ‌های پلوپونسی به آتن گرایش داشت (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به جدول شماره ۱).

نتایج مذکور در بالا، داده‌های جالب‌توجهی را برای ما آشکار می‌سازد: افسران پلوپونسی (مذکور در بندهای الف و ب)، ۱۰۳۰۰ هوپلیت (۹۱ درصد از کل هوپلیت‌ها)، ۱۶۰۰ سبک‌سپر (۷۶ درصد از کل سبک‌سپرها)، ۲۰۰ کماندار (۱۰۰ درصد کمانداران)، ۴۰ سواره‌نظام و ۳۵ کشتی (۱۰۰ درصد کشتی‌ها) برای کورس فراهم کرده بودند؛ حال آنکه افسری که دارای خاستگاه جغرافیایی متمایل به آتن بود (مذکور در بند ج)، فقط ۱۰۰۰ هوپلیت (۹ درصد از کل هوپلیت‌ها) و ۵۰۰ سبک‌سپر (۲۴ درصد از کل سبک‌سپرها) گردآوری کرده بود! اکثریت مطلق افسران متعلق به شبه‌جزیره پلوپونس و اتحادیه پلوپونسی در تجهیز سپاه مزدور کورس جوان به خوبی مشاهده می‌شود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به جدول شماره ۲).

ضروری است اشاره شود که اکثریت مطلق پلوپونسی‌ها محدود به افسران سربازگیر نمی‌شد. دیوژر سیسیلی (14.19.7) می‌گوید کورس جوان «از پلوپونس و باقی یونان، ۱۳ هزار مزدور در اختیار داشت»؛ اینکه در عبارت فوق، «پلوپونس» در یک سو و «باقی یونان» در سوی دیگر قرار گرفته، حکایت از وزن بالای پلوپونسی‌ها دارد. همچنین در *آناباسیس* می‌خوانیم که کسنفن پیشنهاد فرماندهی سپاه مزدوران را در مسیر بازگشت رد می‌کند، زیرا معتقد است یک «اسپارتی بهتر می‌تواند همکاری اسپارتی‌ها را جلب کند» (Xenophon 1980, 6.1.18-32)؛ از سوی دیگر، دیوژر (14.27.1) متذکر می‌شود که مزدوران، خیریسفوس اسپارتی

پروسوپوگرافی مزدوران کورش جوان: ... (وزیر منبری و روزبه زرین کوب) ۲۷۷

را به منصب فرماندهی کل نیروها برگزیدند؛ هر دو نقل قول، نشان‌دهنده تعداد بسیار زیاد پلوپونسی‌ها و اهمیت اسپارتی‌ها در میان سپاهیان است.

۳.۲ علل و عوامل در اکثریت‌بودن پلوپونسی‌ها

اکنون می‌بایست به این پرسش مهم پاسخ داد که چرا اکثریت مطلق افسران سربازگیر و نیز نیروهای سپاه مزدور کورش جوان را پلوپونسی‌ها تشکیل می‌دادند؟ چه تحولاتی در سال‌های پیشین روی داده بود که در نتیجه آن، کورش جوان توانسته بود در میان پلوپونسی‌ها، دوستانی چنین نزدیک بیابد؟

از سال ۴۹۲ ق.م، مجموعه نبردهای میان هخامنشی‌ها و یونانی‌ها (معروف به جنگ‌های مادی) آغاز شد. رویارویی هخامنشی‌ها و دولت‌شهرهای یونانی، در زمان خشایارشا به اوج خود رسید. اگرچه سپاهیان وی توانستند دو بار آتن را تصرف نمایند، اما شکست در نبردهای سالامیس (Salamis)، پلاته (Plataea)، موکاله (Mycale) و ائورومدن (Eurymedon)، تأثیرات مخربی دست‌کم به لحاظ روانی - بر پیکره شاهنشاهی وارد آورد (Herodotus, 6.43-45; 6.48-50; 6.94-117; 7.1; 7.5; 7.7; 7.179-238; 8.1-22; 8.42-49; 8.83-96; 8.126-129; 9.1-5; 9.58-75; 9.98-107; Aeschylus, *Persians*, 235-236, 244, 249-332, 429-444, 465-477, 532-590; Diodorus, 11.2.2; 11.14.5; 11.18.3-11.19.4; 11.28.6; 11.31.1; 11.36.1-7). (۱۳۸۵: ۸۴۹).

این آتنی‌ها بودند که به‌ویژه خود را در مقام رهبر دشمنان ضد هخامنشی جلوه‌گر ساخته بودند. علاوه بر نقش تعیین‌کننده آنها در جنگ‌های ماراتن، سالامیس، پلاته و موکاله، می‌بایست به شکل‌گیری اتحادیه ضد هخامنشی دلوس (Delian League) توسط آنها اشاره کرد. هدف از تشکیل این اتحادیه در سال ۴۷۸ ق.م تحت ریاست آریستیدس آتنی (Aristides) آن بود که قلمرو شاه هخامنشی را به انتقام صدماتی که سپاهیانش به یونانیان زده بود ویران کنند، شهرهای یونانی آسیای غربی را از زیر فرمانروایی بربرها آزاد نمایند و از راه پیروزی در نبردها، کسب غنایم کنند (Thucydides, 1.96; Plutarch, II, *Aristides*, 25.1; Olmstead 1948: 264; Meier 2021: 632). بنابراین، طبیعی بود که شاهان هخامنشی به دنبال فرصتی برای ضربه‌زدن به آتن باشند. شروع جنگ‌های پلوپونسی، موهبتی بزرگ برای هخامنشیان بود، زیرا آتنی‌ها را درگیر نبردی طولانی و فرسایش‌با پلوپونسی‌ها و به‌طور مشخص اسپارت نمود؛ اما مرگ اردشیر یکم و کشمکش‌های جانشینی میان فرزندان متعدد او، فرصت بهره‌برداری از این موهبت را به تعویق انداخت. چند سال بعد، بی‌احتیاطی

آتن در بحبوحه جنگ‌های پلوپونسی، به بهایی گزاف برای آنها تمام شد: آتنی‌ها از شورش آمِرگس (Amorges) بر ضد داریوش دوم حمایت کردند و این مسئله، توهینی بود که داریوش دوم را مصمم به پشتیبانی از اسپارتی‌ها در جنگ‌های پلوپونسی ساخت و فرصت انتقام از آتن را مهیا نمود (Thucydides, 8.5; Olmstead 1948: 358-359; Bengston 1968: 187; Binder 2021: 459).

بنابراین، سیاست حمایت از پلوپونسی‌ها بر ضد آتن در اواسط پادشاهی داریوش دوم عملی گردید. سیاست فوق را می‌توان در دو دوره موردبررسی قرار داد. دوره نخست با انعقاد سه قرارداد میان هخامنشیان و اسپارتی‌ها آغاز شد. مفاد قرارداد سوم، که در سال ۴۱۲-۴۱۱ ق.م منعقد شد، به شکل زیر بود:

تمامی سرزمین شاه در آسیا، در دست شاه باقی خواهد ماند و شاه هرگونه اقدامی که صلاح بداند در آن انجام خواهد داد. اسپارتی‌ها و متحدانشان هیچ‌گونه آسیبی به سرزمین شاه نخواهند زد و شاه نیز هیچ‌گونه آسیبی به سرزمین اسپارتی‌ها و متحدانشان وارد نخواهد آورد. اگر یکی از اسپارتی‌ها و متحدانشان آسیبی به سرزمین شاه وارد آورند، اسپارتی‌ها و متحدانشان وارد عمل شده و از آن جلوگیری خواهند کرد و اگر هر یک از آنهايي که تحت نظارت شاه هستند آسیبی به اسپارتی‌ها و متحدانشان وارد کنند شاه وارد عمل شده و از آن جلوگیری خواهد کرد. تا زمانی که کشتی‌های شاه برسند، تیسافرن هزینه کشتی‌هایی را که اکنون حاضرند مطابق با توافق خواهد پرداخت. زمانی که کشتی‌های شاه بیایند اسپارتی‌ها و متحدانشان، اگر بخواهند، می‌توانند مسئولیت مخارج کشتی‌های خودشان را برعهده گیرند. اگر آنها بخواهند به دریافت پول از تیسافرن ادامه دهند، تیسافرن آن را تأمین خواهد کرد اما در پایان جنگ، اسپارتی‌ها و متحدانشان مبالغی را که از تیسافرن دریافت کرده‌اند مسترد خواهند نمود. پس از رسیدن کشتی‌های شاه، کشتی‌های اسپارتی‌ها و متحدانشان و کشتی‌های شاه متفقاً به جنگ، آن‌گونه که تیسافرن و اسپارتی‌ها و متحدانشان تصمیم بگیرند، ادامه خواهند داد و اگر بخواهند برای اتمام جنگ با آتن به توافقی برسند، شرایط توافق برای هر دو طرف مشابه خواهد بود^۵ (Thucydides, 8.58).

بر اساس قرارداد مذکور در بالا، توازن قدرت در میان دولت‌شهرهای درگیر در جنگ‌های پلوپونسی (به سود پلوپونسی‌ها) تغییر کرد: هخامنشیان از پلوپونسی‌ها در نبردشان با آتن حمایت می‌کردند و در مقابل، اسپارت نیز سیادت هخامنشی‌ها بر یونانی‌های آسیای غربی را به رسمیت می‌شناخت (Bichler-Rollinger 2021: 173; Meier 2021: 633). از آن پس، نیروهای

شاه بزرگ، به شکل عملی و در کنار پلوپونسی‌ها، وارد نبرد با آتن شدند. به عنوان مثال، تیسافرن در نبرد میان اسپارتی‌ها و آتنی‌ها در شهر میلئتوس (Miletus) حاضر شد تا به اسپارتی‌ها کمک کند (Thucydides, 8.25)؛ فرنباز در سال ۴۱۰ ق.م در نبرد دریایی داردانوس (Dardanus) میان آتنی‌ها و اسپارتی‌ها، از دومی حمایت کرد. همچنین اسپارتی‌ها با کمک فرنباز موفق شدند سوزیکوس را تصرف نمایند (Diodorus, 13.45.6; 13.49.4). این همکاری، محدود به حضور نیروهای هخامنشی نبود؛ بلکه شامل تجهیز مالی پلوپونسی‌ها نیز می‌شد و این موضوعی بود که حتی آتنی‌ها نیز از آن آگاه بودند، به طوریکه آلكیبيادس در سال ۴۱۰ ق.م، به سربازانش گفت: ما هیچ پولی نداریم، اما اسپارتی‌ها مبالغ زیادی را از داریوش دوم دریافت نموده‌اند (Xenophon 1979, 1.1.14)؛ همچنین بنگرید به Cornelius Nepos, *Alcibiades, VIII* که عیناً به این موضوع اشاره می‌نماید؛ چنانچه بخواهیم به شکل مصداقی‌تر به این مسأله اشاره نماییم، از جمله می‌توان به پرداخت ماهانه ۳۰ تالان برای حقوق یک ماه ۵۵ کشتی پلوپونسی از سوی تیسافرن اشاره کرد^۷ (Thucydides, 8.29).

دوره دوم سیاست حمایت از پلوپونسی‌ها، بسیار تعیین‌کننده‌تر بود و به نقطه عطفی در جنگ‌های پلوپونسی مبدل گردید. در سال ۴۰۷ ق.م، بویوتیوس اسپارتی (Boeotius) در حین بازگشت از پایتخت هخامنشیان گزارش داد که اسپارتی‌ها همه آن چیزی را که می‌خواستند، طی قراردادی از شاه گرفته‌اند. وی همچنین خاطرنشان ساخت که کورش به عنوان حاکم تمامی نواحی ساحلی منصوب شده و وظیفه‌اش حمایت از لاکدمونی‌ها در جنگ است. کورش با خود نامه‌ای داشت که دارای مژهر داریوش دوم بود و خطاب به تمامی ساکنان نواحی ساحلی بود. محتوای نامه، از جمله، چنین بود: «من کورش را به‌عنوان حاکم تمامی کسانی که در دشت کاستلوس (Castolus) جمع می‌شوند، منصوب کرده‌ام» (Xenophon 1979, 1.4.2-3). اندکی بعد که لوساندر (Lysander؛ دریاسالار اسپارتی) برای درخواست کمک از کورش جوان به سارد رفت، شاهزاده هخامنشی در جواب گفت این دقیقاً آن چیزی است که پدرش داریوش دوم به او دستور داده انجام دهد و خودش نیز چنین قصدی دارد و هر کاری که در توان داشته باشد انجام می‌دهد. کورش گفت که با خودش ۵۰۰ تالان آورده است. اگر این مبلغ کافی نباشد، از پول شخصی خودش، که پدرش به وی داده، هزینه خواهد کرد و اگر این نیز کافی نباشد تختی را که بر آن می‌نشیند و از طلا و نقره است، خواهد شکست و از آن استفاده می‌کند. وی حقوق معوق سربازان اسپارتی را پرداخت کرد و علاوه بر آن، دستمزد یک ماه را پیشاپیش به آنها داد^۸ (Xenophon 1979, 1.5.1; 1.5.3; 1.5.7; Diodorus, 13.70.3).

به جایی رسید که وی حتی در انتصاب دریاسالاران پلوپونسی به ایفای نقش می پرداخت. هم‌چنین زمانی که کورش برای ملاقات پدر بیمارش به سوی پایتخت شاهنشاهی حرکت می کرد، تمام خراجی را که از شهرهای تابعش دریافت داشته و متعلق به شخص او بود و نیز تمامی پولی که داشت، در اختیار لوساندر اسپارتی گذاشت؛ سپس به لوساندر یادآوری کرد که او هم برای دولت اسپارت و هم برای شخص لوساندر چه دوست خوبی بوده است. آنگاه روانه سفر شد (Xenophon 1979, 2.1.7; 2.1.13-14; Diodorus, 13.104.4).

در حقیقت، در دوره دوم و با انتصاب کورش جوان به حکومت آسیای صغیر بود که حمایت از پلوپونسی‌ها شدت گرفت. افزایش قابل توجه کمک‌های مالی به اسپارت، نقش غیرقابل انکاری در پیروزی این دولت شهر بر آتن ایفا نمود (Justin, *Epitome*, V, 5, 1; 11, 6-7; Shahbazi 2012: 130; Binder 2021, p. 460). هم‌چنین می توان سال‌های ۴۰۷-۴۰۱ ق.م را سال‌هایی طلایی برای شخص کورش در نظر گرفت. اگرچه سیاست پشتیبانی از پلوپونسی‌ها مسلماً از سوی داریوش دوم ابلاغ شده بود، اما کورش با دنبال نمودن منسجم و پیوسته این سیاست، توانست نفوذ خود را در میان بزرگان نظامی-سیاسی پلوپونسی بگستراند و در برهه زمانی نزدیک به نبرد کوناکسا، با اتکا به همین افراد (و به ویژه افسران نظامی) سپاهی بزرگ از مزدوران فراهم آورد. با در نظر گرفتن تمامی مطالب فوق، طبیعی بود که اکثریت مطلق افسران سربازگیر کورش جوان از میان پلوپونسی‌ها انتخاب شوند.

۳. نتیجه گیری

وقوع جنگ‌های پلوپونسی و درگیری آتن در این نبردها، فرصتی تاریخی برای شاه بزرگ بود تا از این دشمن دیرینه انتقام بگیرد. شورش آمُرگس بر ضد داریوش دوم و حمایت آتن از او در سال ۴۱۲ ق.م، آغازی بر حمایت شاهنشاهی هخامنشی از پلوپونسی‌ها در رقابت با آتنی‌ها بود. در فاصله‌های سال‌های ۴۱۲-۴۱۱ ق.م، سه قرارداد میان هخامنشیان و اسپارتی‌ها منعقد شد. بر اساس نص صریح این قراردادها، دو طرف بر ضد دشمن مشترک خود (=آتن) متحد شده و متعهد شدند تا پایان جنگ‌های پلوپونسی و شکست نهایی آتن با یکدیگر همکاری نموده و از تعرض به منافع یکدیگر پرهیز نمایند. یکی از نخستین همکاری‌ها در این زمینه، حمله مشترک به شهر ایاسوس و دستگیری آمُرگس بود. در نقطه مقابل، شاه بزرگ نیز با تهیه ناوگان و پشتیبانی مالی، پلوپونسی‌ها را در برابر آتن تقویت نمود.

اگرچه سیاست فوق را داریوش دوم آغاز کرد، اما انتصاب کورش جوان به فرمانروایی نواحی ساحلی در سال ۴۰۷ ق.م در پیگیری مؤثرتر و اساسی‌تر آن نقش غیرقابل‌تردیدی ایفا نمود. شاهزادهٔ هخامنشی با تأیید داریوش دوم مأمور شده بود حمایت مالی و تدارکاتی از پلوپونسی‌ها را با شدت تمام ادامه دهد. نتیجهٔ امر، شکست‌های پی‌درپی آتن و متحدانش (به‌ویژه در دو نبرد آرگینوسای و آیگسپتامی) و پیروزی نهایی پلوپونسی‌ها در نبرد بود؛ موفقیتی که مسلماً بدون حمایت همه‌جانبهٔ داریوش دوم و کورش جوان -دست‌کم آسان- به‌دست نمی‌آمد.

حضور کورش جوان در نواحی ساحلی و پشتیبانی کامل تدارکاتی و مالی از پلوپونسی‌ها، زمینه‌ساز پیوند و دوستی وی با افسران پلوپونسی گردید. بعدها که شاهزادهٔ هخامنشی آمادهٔ نبرد بر ضد برادر خود اردشیر دوم شد، علاوه بر نیروهای بومی، لشکری از مزدوران یونانی گرد آورد. پروسوپوگرافی افسرانی که وظیفهٔ سربازگیری از میان مزدوران را برای وی انجام دادند، نشان می‌دهد که اکثریت مطلق آنها (= کلئارخوس، آگیاس، سُکراتس، کسنیاس، سُفانتوس، پاسیون، پرگسنوس، سُسیس، خیریسُفوس و پوثاگراس) یا از شبه‌جزیرهٔ پلوپونس بودند و یا از مناطقی می‌آمدند که در جریان جنگ‌های پلوپونسی در جبههٔ ضدآتنی (=اتحادیهٔ پلوپونسی) حضور داشتند.

پیوست‌ها

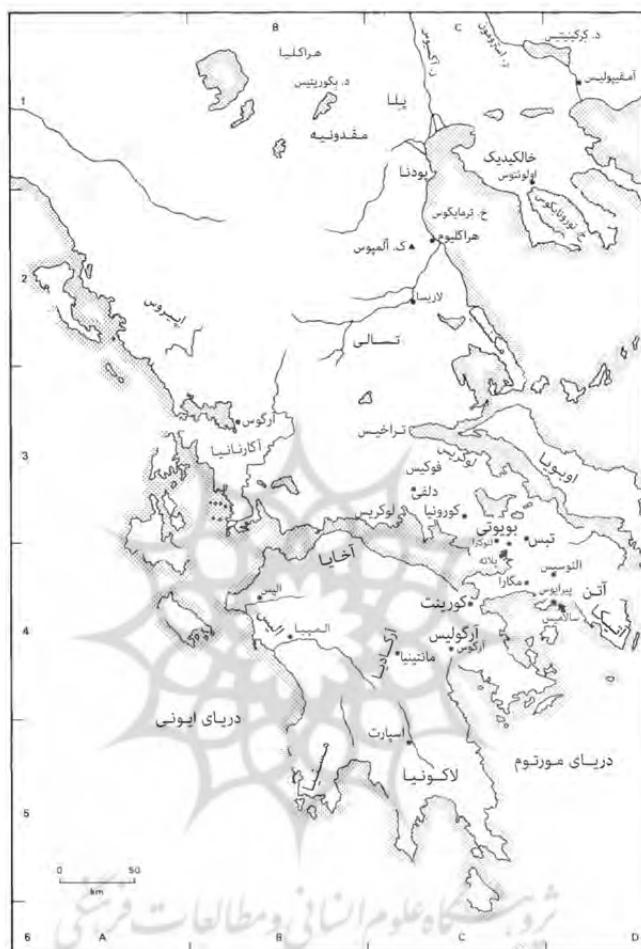


نقشه ۱. شبه‌جزیره پلوپونس و یونان مرکزی

(Talbert 1985: 29)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پروسوپوگرافی مزدوران کورش جوان: ... (وزیر منبری و روزبه زرین کوب) ۲۸۳



نقشه ۲. یونان، مقدونیه و جهان اژه‌ای (Talbert 1985: 30)

جدول ۱. خاستگاه جغرافیایی افسران سربازگیر یونانی کورش جوان

اتحادیه پلوپونسی	الف) شبه جزیره پلوپونس	کلتارخوس اسپارتی	خیریسفوس اسپارتی	پونائراس اسپارتی	آگیس آرکادیایی	شکراتس آخایی	کستیس پاراسیایی	ستائوس استروفالوسی
	ب) متحدان پلوپونس	پامپون مگارایی	پرسوس پریونیایی	سسیس سوراکوسی				
اتحادیه آتنی	ج) متحدان آتن	آریستیبوس تسالیایی						

جدول ۲. مزدوران گردآوری شده برای کورش جوان از سوی افسران سربازگیر یونانی

افسران اتحادیه پلوپونسی	هولیت	سبک سیر	کمان دار	سواره نظام	کشتی
	۱۰۳۰۰ نفر (۹۱ درصد)	۱۶۰۰ نفر (۷۶ درصد)	۲۰۰ نفر (۱۰۰ درصد)	۴۰ نفر (۱۰۰ درصد)	۳۵ فروند (۱۰۰ درصد)
افسران اتحادیه آتنی	۱۰۰۰ نفر (۹ درصد)	۵۰۰ نفر (۲۴ درصد)	-	-	-

پی‌نوشت‌ها

۱. علاوه بر مواردی که در متن مقاله به آن‌ها اشاره می‌شود، می‌توان به پژوهش‌های عمومی‌تر زیر نیز اشاره کرد: شهبازی ۱۳۴۹/۱۹۷۰؛ و نیز:

Pancritius 1906; Russel 1942; Rahe 1980; Marinovic 1988; Trundle 1996; Tuplin, 2021.

پروسوپوگرافی مزدوران کورش جوان: ... (وزیر منبری و روزبه زرین کوب) ۲۸۵

۲. پیاده‌نظام سنگین اسلحه را «هوپلیت» می‌نامند. هوپلیت‌ها مهم‌ترین گونه سربازان یونانی هم به لحاظ شمار و هم تأثیرگذاری بودند. تمامی شهرهایی که سودای پیروزی در نبردهای زمینی را داشتند، ناگزیر از تجهیز لشکرهای بزرگی از هوپلیت‌ها بودند. بعد از هوپلیت‌ها، مهم‌ترین انواع نیروهای نظامی در یونان عبارت بودند از: سواره‌نظام، سبک‌سپرها، کماندارها، فلاخن‌اندازها (Sage 1996: 25, 30, 40; Hunt 2007: 108-109). اساس سازوبرگ هوپلیت‌ها مبتنی بر تجهیزات کامل (سپر مدور بزرگ و سنگین؛ زره سینه؛ کلاه‌خود سنگین؛ زره ساق پا؛ نیزه پرتابی؛ شمشیر کوتاه) و تهیه آن نیازمند صرف هزینه‌ای بسیار بالا (حدوداً ۷۵ تا ۱۰۰ دراخما) بود (Sage 1996: 30; Hunt 2007: 113-116; Jarva 2013: 533). از این رو پیداست که کورش جوان برای تجهیز هوپلیت‌های مزدور، هزینه بسیار بالایی را صرف نموده است.

۳. دیوژر سیسیلی (14.19.5; 14.21.1) تعداد هوپلیت‌های تحت فرمان خیریسفوس را ۸۰۰ نفر ذکر می‌کند.

۴. لاکدمون (Lacedaemon) نامی باستانی برای اسپارت و توابع بلافضل آن، که تقریباً برابر اصطلاح لاکونیا (Laconia / Lakonike) در زبان لاتینی است (Nardo 2006: 196).

۵. کسنفن (Hellenica, 1.1.9) نیز به نحوی دیگر به این اتحاد اشاره می‌کند: آلکیبیادس (Alcibiades) در سال ۴۱۱-۴۱۰ ق.م با هدایا و پیشکش‌هایی نزد تیسافرن رفت، اما تیسافرن، با بیان اینکه داریوش دوم به او دستور داده که با آتنی‌ها بجنگد، او را دستگیر کرد و در سارد زندانی نمود.

۶. در نتیجه این قرارداد، برخی یا همه اهالی شهرهای آبودوس (Abydus)، لامپساکوس (Lampsacus)، سوزیکوس و خالکدن (Chalcedon) بلافاصله بر ضد آتن دست به شورش زدند (Tuplin 1987: 139).

۷. آندکیدس (Antiphon, Andocides, *On the Peace with Spartans*, 29) صراحتاً بیان می‌کند که داریوش دوم به تلافی حمایت آتنی‌ها از شورش آفرگس، به اسپارتی‌ها متمایل شده و ۵۰۰۰ تالان به آنها اعطا کرد.

۸. داریوش و پسرش کورش جوان تنها طی سال‌های ۴۰۷ و ۴۰۶ ق.م، مبلغی در حدود ۶۳۹-۵۴۹ تالان و در سال‌های ۴۰۵ و ۴۰۴، حدود ۲۲۴۸-۲۰۰۶ تالان به پلوپونسی‌ها اعطا کردند (Hyland 2018: 110, table 6.2).

کتاب‌نامه

بریان، پی‌یر (۱۳۸۵)، *امپراتوری هخامنشی* (دو جلدی)، ترجمه ناهید فروغان، تهران: فرزانه روز/قطره.
شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۴۹)، «لشکرکشی کورش جوان»، *خرد و کوشش*، سال دوم، شماره ۶، صص ۳۳۲-۳۵۰.

Aeschylus (1922), *Suppliant Maidens, Persians, Prometheus, Seven Against Thebes*, With an English Translation by Herbert Weir Smyth, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.

Anthon, Charles (1888), *A New Classical Dictionary of Greek and Roman Biography, Mythology and Geography*, New York: Harper and Brothers Publishers.

- Antiphon, Andocides (1960), *Minor Attic Orators, Volume I: Antiphon. Andocides*, Translated by K. J. Maidment, Loeb Classical Library 308, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Barber, Robin (2010), "Megara", in: *Encyclopedia of Ancient Greece*, edited by: Nigel Wilson, New York: Routledge, pp. 738-740.
- Bichler, Reinhold and Rollinger, Robert (2021), "Greek and Latin Sources", in: *A companion to the Achaemenid Persian empire*, edited by Bruno Jacobs and Robert Rollinger, vol. 1, Hoboken: Wiley Blackwell, pp. 169-185.
- Binder, Carsten (2021), "From Darius II to Darius III", in: *A companion to the Achaemenid Persian empire*, edited by Bruno Jacobs and Robert Rollinger, vol. 1, Hoboken: Wiley Blackwell, pp. 457-471.
- Buckler, John (2010), "Boeotia", in: *Encyclopedia of Ancient Greece*, edited by: Nigel Wilson, New York: Routledge, pp. 238-240.
- Bunbury, Edward Herbert (1867), "Socrates", in *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vol. 3, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Cornelius Nepos (2017), *The Complete Works of Cornelius Nepos*, translated by John Selbi Watson, Hastings: Delphi Classics, 2017.
- Cousin, Georges (1904), *Kyros le Jeune en Asie Mineure (printemps 408-juillet 401 avant Jésus-Christ)*: Thèse pour le doctorat, présentée à la Faculté des Lettres de Paris.
- Diodorus Siculus (1956), *The Library of History*, Volume IV: Books IX-XII.40, With an English Translation by C. H. Oldfather, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.
- Diodorus Siculus (1950), *The Library of History*, Volume IV: Books XII.41-XIII, With an English Translation by C. H. Oldfather, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.
- Diodorus Siculus (1954), *The Library of History*, Volume VI: Books XIV-XV.19, With an English Translation by C. H. Oldfather, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.
- Elder, Edward (1867a), "Cheirisophus", in *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vol. 1, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Elder, Edward (1867b), "Clearchus", in *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vol. 1, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Elder, Edward (1867c), "Pasion", in *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vol. 3, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Elder, Edward (1867d), "Sophaenetus", in *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vol. 3, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Elder, Edward (1867e), "Xenias", in *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vol. 3, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Hazel, John (2002), *Who's Who in the Greek World*, London and New York: Routledge.
- Herodotus (1922), *Histories*, vol. 3: Books V-VII, With an English Translation by A. D. Godley, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.
- Herodotus (1969), *Histories*, vol. 4: Books VIII-IX, With an English Translation by A. D. Godley, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.

- Hofstetter, Josef (1978), *Die Griechen in Persien: Prosopographie der Griechen im persischen Reich vor Alexander*, Berlin: Dietrich Reimer Verlag.
- Hunt, Peter (2007), "Military forces", in: *The Cambridge History of Greek and Roman warfare, vol. I: Greece, the Hellenistic world and the rise of Rome*, edited by Philip Sabin and Hans van Wees and Michael Whitby, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 108-146.
- Hyland, John (2018), *Persian Interventions: The Achaemenid Empire, Athens and Sparta, 450-386 BCE*, Baltimore: John Hopkins University Press.
- Jarva, Eero (2013), "Arms and armour, part I: Arming Greeks for battle", in: *The Oxford Handbook of Warfare in the Classical world*, edited by Brian Campbell and Lawrence Tritle, Oxford: Oxford University Press, pp. 533-562.
- Justin (1994), *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus*, translated by J. C. Yardley, with introduction and explanatory notes by R. Develin, Atlanta: Scholars Press.
- Kates-Rohan, K (2007), "Biography, Identity and Names: Understanding the Pursuit of the Individual in Prosopography", in: *Prosopography Approaches and Applications: A Handbook*, edited by K. Kates-Rohan, Oxford: Occasional Publications UPR, pp. 139-182.
- Kosso, Cynthia (2010), "Achaea", in: *Encyclopedia of Ancient Greece*, edited by: Nigel Wilson, New York: Routledge, pp. 49-51.
- Lee, John (2007), *A Greek Army on the March: Soldiers and Survival in Xenophon's Anabasis*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Marinovic, Ludmila Petrovna (1988), *Le Mercenariat grec au IVe siècle avant notre ère et la crise de la polis*, Paris: Belles Lettres.
- Mason, Charles Peter (1867), "Proxenus", in *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vo. 3, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Meier, Mischa (2021), "The Greek world", in: *A companion to the Achaemenid Persian empire*, edited by Bruno Jacobs and Robert Rollinger, vol. 1., Hoboken: Wiley Blackwell, pp. 623-637.
- Morkot, Robert (1996), *The Penguin historical atlas of Ancient Greece*, London: Penguin Books.
- Nardo, Don (2006), *The Greenhaven Encyclopedia of Ancient Greece*, New York: Greenhaven Press.
- Olmstead, A. T (1948), *History of the Persian Empire*, Chicago and London: The University of Chicago Press.
- Pancritius, Marie (1906), *Studien über die Schlacht bei Kunaxa*, Berlin: Verlag von Alexander Duncker.
- Plutarch (1914), *Lives II: Themistocles and Camillus, Aristides and Cato Major, Cimon and Lucullus*, with an English translation by Bernadotte Perrin, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.
- Plutarch (1916), *Lives IV: Alcibiades and Coriolanus, Lysander and Sulla*, with an English translation by Bernadotte Perrin, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.
- Rahe, Paul (1980), "The Military Situation in Western Asia on the Eve of Cunaxa", in: *The American Journal of Philology, Vol. 101, No. 1*, pp. 79-96.
- Roy, J (1967), "The Mercenaries of Cyrus", in: *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Bd. 16, H. 3, pp. 287-323.

- Russell, A. G (1942), "The Greek as a Mercenary Soldier", in: *Greece and Rome*, volume XI, Issue 33, pp. 103-112.
- Sage, Michael (1996), *Warfare an ancient Greece: A sourcebook*, London and New York: Routledge.
- Shahbazi, A. Sh (2012), "The Achaemenid Persian Empire (550-330 BCE)", in: *The Oxford Handbook of Iranian History*, edited by Touraj Daryae, Oxford: Oxford University Press, pp. 120-141.
- Smith, William (1867), "Aristippus", in: *Dictionary of Greek and Roman Biography and Mythology*, vol. 1, edited by William Smith, Boston: Little Brown and Company.
- Stephanus Byzantii (2014), *Ethnica*, Volumen III: K-O, With an German translation by Margarethe Billerbeck, Boston: De Gruyter.
- Stephanus Byzantii (2016), *Ethnica*, Volumen IV: P-Y, With an German translation by Margarethe Billerbeck, Boston: De Gruyter.
- Stone, Lawrence (1971), "Prosopography", in: *Daedalus*, Vol. 100, No. 1 (Historical Studies Today), pp. 46-79.
- Talbert, Richard (1985), *Atlas of Classical History*, London and New York: Routledge.
- Thucydides (2009), *The Peloponnesian War*, A new translation by Martin Hammond, With an Introduction and Notes by P. J. Rhodes, Oxford: Oxford University Press.
- Tomlinson, R. A (2010), "Argos", in: *Encyclopedia of Ancient Greece*, edited by: Nigel Wilson, New York: Routledge, pp. 183-185.
- Trundle, Matthew Freeman (1996), *The Classical Greek Mercenary and his Relationship to the Polis*, A Dissertation Presented to the School of Graduate Studies in Partial Fulfilment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Ancient History, McMaster University.
- Tuplin, Christopher (1987), "The Treaty of Boiotios", in: *Achaemenid History II: The Greek Sources*, Proceedings of the Groningen 1984 Achaemenid History Workshop, edited by Heleen Sancisi-Weerdenburg and Amelie Kuhrt, Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Tuplin, Christopher (2021), "Mercenaries", in: *A companion to the Achaemenid Persian empire*, edited by Bruno Jacobs and Robert Rollinger, vol. 2, Hoboken: Wiley Blackwell, pp. 1183-1195.
- Weerakkody, D. P. M (2010), "Peloponnese", in: *Encyclopedia of Ancient Greece*, edited by: Nigel Wilson, New York: Routledge, pp. 871-873.
- Winnifrieth, T. J (2010), "Thessaly", in: *Encyclopedia of Ancient Greece*, edited by: Nigel Wilson, New York: Routledge, pp. 1105-1106.
- Xenophon (1979), *A History of My Times (Hellenica)*, Translated by Rex Warner, Introduction and Notes by George Cawkwell, London: Penguin Books.
- Xenophon (1980), *Anabasis*, With an English Translation by Carleton L. Brownson, The Loeb Classical Library, London: William Heinemann.